



مردم محور اصلی اداره کشور، تحقق عدالت و مقابله با فساد

مردم در اندیشه امام(ره) جایگاه محوری در همه امور دارند؛ همانطور که به حکومت شکل می‌دهند و حضور و رأی آن‌ها ضامن بقا و تداوم نظام جمهوری اسلامی است...

مردم در اندیشه امام(ره) جایگاه محوری در همه امور دارند؛ همانطور که به حکومت شکل می‌دهند و حضور و رأی آن‌ها ضامن بقا و تداوم نظام جمهوری اسلامی است، همین‌طور نیز این مردم هستند که با مطالبه‌گری و پافشاری بر عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد از مسئولان و نظارت بر رفتار آنان، مانع از انحراف دولت‌ها و مجموعه حاکمیت از آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی می‌شوند.

پیوند امام و مردم

«مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد» عنوان روز یکشنبه، ۲۰ بهمن در تقویم دهه فجر ۱۳۹۸ است؛ نقش مردم در حکمرانی، عدالت و فسادستیزی، هر یک جایگاه ویژه‌ای در اندیشه امام خمینی(ره) دارند و از نگاه امام(ره) نمی‌توان بی‌توجه به نقش مردم، به حاشیه راندن عدالت و بی‌تفاوتی نسبت به فساد حکومت اسلامی را شکل، تثبیت و تداوم داد.

البته عبارت مردم سالاری دینی مستقیماً توسط امام(ره) به کار برده نشده اما تأکید ایشان بر پیوند جموریت و اسلامیت و اهمیت رأی مردم خود گواه آن است که امام(ره) برگرفته از آیه قرآنی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» اراده یک قوم و ملت برای تغییر و تعیین سرنوشت را عامل کمک و عنایت الهی دانسته و لذا در همه مسائل سیاسی و اجتماعی بر حضور و مشارکت فعالانه مردم تأکید می‌کردند.

امام خمینی(ره) درباره اهمیت جایگاه مردم و نظر آن‌ها در اداره کشور می‌فرمایند: «ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم» (صحیفه امام، ج ۱۱؛ ۱۱۸، ص ۳۴) مخدوم و خادم؛ نسبت بین مردم و حکومت در اندیشه امام(ره)

در این سخن امام(ره) به صراحت تحمیل رأی و نظر خود به منزله رهبر یک حکومت اسلامی، به مردم را دقیقاً در مسیر خلاف خواست خدا و اسلام بیان می‌کنند و این نشان می‌دهد که امام(ره) هیچ‌گاه نگاه قیم‌گونه به مردم نداشته‌اند و برعکس همه را به تبعیت از رأی مردم، حال هر چه باشد، تأکید مؤکد می‌کردند.

در نگاه امام خمینی(ره) نسبت مردم و حکومت در واقع نسبت مخدوم و خادم است؛ حکومت برای مردم، از مردم و در مردم است و با این نگاه حکومت وظیفه‌ای جز خدمتگزاری و تحقق خواست‌های مردم ندارد. بر همین اساس است که می‌فرمایند: «خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت مان یک چیزی را تحمیل بکنیم. بلکه ممکن است گاهی وقت‌ها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم؛ تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند.» (همان) پیوند میان مردم، دین و رهبری دینی؛ کار بدیع امام(ره)

در واقع کار بدیع امام(ره) که تا آن روز به ویژه در جهان اسلام به جز دوره کوتاهی در زمان حکومت پیامبر(ص) و امام علی(ع)، انجام نگرفته بود، پیوند میان سه رکن مردم، دین و رهبری دینی بود و امام(ره) در چارچوب اسلام برای مردم نقش و کارکرد ویژه در اداره یک جامعه و کشور تعریف کردند و بدون اینکه اصول و مبانی اسلام دچار خدشه شود از دل اسلامیت جمهوری را برآوردند نه اینکه این دو را به مثابه دو مؤلفه جدا از هم به یکدیگر پیوند بزنند. به عبارتی امام(ره) از همان آموزه‌ها و اصول دین اسلام، ثابت کردند که درون اسلامیت، دموکراسی آن هم دموکراسی واقعی، وجود دارد و آن را در اداره کشور عملی کردند که برخلاف عقیده بسیاری از علما و اندیشمندان دنیای اسلام بود که منافات و تضادی میان حکومت مردم محور و حکومت اسلامی می‌دیدند و اسلام و دموکراسی را قابل جمع شدن با هم نمی‌دانستند.

از همین جهت است که بیان می‌دارند: «حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است.» (همان، ج ۸، ص ۳۷۲) یا «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع

حکومت خود را در دست داشته باشد.» (همان، ج ۴، ص ۳۶۷)
مردم به مثابه منبع تولید قدرت و حفظ نظام

البته امام(ره) براساس یک حکم و اقتضای عقلانی نیز به این نتیجه رسیده بودند که حکومت های امروزی باید به مردم متکی باشند تا از هر لحاظ از قدرت و توان چه در عرصه داخلی و خارجی برخوردار باشند؛ «اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند؛ آن رژیم از بین نخواهد رفت.» (همان، ج ۸، ص ۳۷۲)

براین مبنا درست است که مشروعیت حکومت اسلامی برگرفته از اراده الهی است اما این مردم هستند که منبع قدرت و تأسیس، تثبیت و تداوم نظام سیاسی هستند و نمی توان به نام مشروعیت الهی، مانع از تحقق تعیین سرنوشت به دست مردم شد و برعکس این دو اراده با هم معنا پیدا می کند و مردم سالاری دینی را شکل می دهد.

به همین جهت امام(ره) بر احترام به رأی مردم و حفظ ارتباط مسئولان با مردم به منزله عامل اصلی حفظ نظام اسلامی نگاه کرده و می فرمایند: «آن چیزی که برای همه ما لازم است، این است که ما در فکر این باشیم که مردم را در صحنه نگاه داریم، و این یک سرش بسته به دولت است و رئیس جمهور است و مجلس، یک سرش هم مربوط به خود مردم. اگر این طرف را شما نگه دارید، ما از ملتمان مطمئن هستیم که به حسب غالب و اکثریت، آن طرف را حفظ می کنند.» (همان، ج ۱۹، ص ۴۰۷) یا «جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می کرد. دنبال این بود که مردم را جلب کند، دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق. شما هم باید دنبال همین معنا باشید.» (همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱)

لذا امام خمینی(ره) به مردم هم به مثابه عامل موجهه، هم عامل بقا و هم عامل پیش برنده انقلاب نظر داشته و برپایه همین اصل همواره به رأی و نظر مردم حتی اگر به زعم ایشان اشتباه بود، احترام می گذاشتند و به عهد خود مبنی بر «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر» همواره پایبند بودند.
برپایی عدالت؛ هدف اصلی تشکیل جمهوری اسلامی

عدالت و فسادستیزی نیز از دیگر مقولاتی است که امام(ره) توجه و حساسیت خاصی به آن ها داشتند و اساساً حکومت اسلامی را برای تحقق عدالت در همه ابعاد آن می دانستند و لذا صرف اسلامی بودن حکومت بدون توجه به عدالت و ضدیت با فساد را قبول نداشتند.

لذا ایشان مهم ترین ویژگی جمهوری اسلامی را تحقق خیر و برچیدن ستم دانسته و می فرمایند: «با جمهوری اسلامی سعادت، خیر، صلاح برای همه ملت است... در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست.... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می افکند.»

حتی در نگاه فقهی و شرعی امام(ره) همه احکام فقهی وسیله ای برای تحقق عدالت هستند؛ «احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می باشند، بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ایزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۲۵)

ایشان با همین نگاه قرآنی و دینی عدالت را نه امری کهنه و زمان مند بلکه آرمان همیشگی بشری در طول تاریخ دانسته و می فرمایند: «اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و ... چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود.» (پایگاه اینترنتی حوزه، مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی)

برهمنین راستا بر قسم اجتماعی عدالت به منزله مهم ترین بعد عدالت در حکومت اسلامی دست گذشته و می فرمایند: «عدالت اسلامی را می خواهیم در این مملکت برقرار کنیم، یک همچو اسلامی که در آن عدالت باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلم نباشد، اسلامی که آن شخص اول با آن فرد آخر همه علی السواء در مقابل قانون باشند.» (همان)

تأکید ایشان بر ضرورت تحقق عدالت در حکومت اسلامی از این جهت است که عدالت پایه و اساس سایر آرمان ها از جمله آزادی و استقلال است. در واقع جامعه غیرعادلانه در تحقق سایر مؤلفه های پیشرفت نیز ناکام می ماند و

حکامیت ظلم مانع شکوفایی و رشد استعداد آحاد اقشار جامعه می شود؛ «عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود.» (همان)

اولویت اصلی در مبارزه با فساد؛ از بین بردن انگیزه ها

حال با این استدلال می توان گفت فقدان عدل در جامعه یعنی وجود ظلم و فساد و لذا امام(ره) بر مبارزه همیشگی با فساد تأکید داشته و بروز و ظهور فساد در نظام سیاسی عامل تزلزل پایه ها و اساس حکومت اسلامی می دانستند. لذا در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه «اولین اقدامات یک دولت اسلامی چه خواهد بود؟» این گونه پاسخ می دهند که «اولین اقدام، این است که همه عوامل فساد و مهم تر اینکه همه انگیزه های فساد در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سایر زمینه ها با کمال جدیت باید ریشه کن شود.» (حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۳۶۴)

در جای دیگری می فرمایند: «ما با تکیه بر دستورات اسلامی و اجرای مقررات آن در همه زمینه ها تلاش خواهیم کرد، که از سویی دست عناصر فاسد کوتاه شود و از طرفی انگیزه های فاسدکننده نابود شود. و دیگر اینکه عموم مردم را موظف می دانیم که انحراف از مسیر اسلامی را در هر کجا که می بینند از پایین ترین و بالاترین مقامات بلافاصله جلوگیری کنند. و بدین ترتیب از رشد فساد جلوگیری می شود و مجال بر عناصر فاسد نیز بسته می ماند.» (همان، ص ۳۶۵)

آنچه که از این سخنان برمی آید توجه بیشتر امام(ره) بر انگیزه ها و زمینه های ایجاد فساد نسبت به مفسدان است. در واقع مبارزه و از بین بردن زمینه های فساد در جامعه از سختی و اهمیت بیشتری نسبت به مبارزه و برخورد با افراد فاسد دارد و حکومت اسلامی باید در این جهت تلاش بیشتری نماید.

نکته بعد اینکه امام(ره) در اینجا؛ مبارزه با فساد، نیز نقش مهمی را برای مردم قائل هستند و آن ها را نسبت به رصد رفتار حاکمان مسئول می دانند که این نظارت مردمی بر همه مسئولان عامل اصلی بر پیشگیری و جلوگیری از رشد و اشاعه فساد است؛ نکته ای که امروز در قالب «سوت زنی» و تشویق گزارش دهندگان فساد در عرصه عمومی مطرح می شود.

با بررسی این سخنان می توان گفت در اندیشه امام خمینی(ره) مردم نقش محوری هم در شکل دادن به حکومت، هم در تحقق عدالت و هم پیشگیری از فساد و رشد آن در جامعه دارند و همه اینها منوط به آن است که حکومت اسلامی و مسئولان آن زمینه این نقش آفرینی را برای مردم فراهم کنند و با ایجاد امنیت و آزادی هم بستر ارائه نظر مردم در اداره حکومت را ممکن کرده و هم مطالبه بدون وا همه و ترس عدالت و مبارزه با فساد را در مردم به منزله یک گفتمان غالب ایجاد کنند تا حرکت به سمت جامعه اسلامی که افراد آن بتوانند بدون لکنت در مقابل حاکمان و مسئولان سخن بگویند و بر رفتارها و تصمیمات آنان نظارت کنند محقق شود.